



مُطَالَعَةُ
مَعَارِفِ بَهَائِي

مطالعات تحقیقی و جامعہ بہائی

دکتر موژان موئن

ترجمہ

دکتر نعیم شبیل اکبر

دورہ دوم

BAHA'I STUDIES
PERSIAN

SCHOLARSHIP AND THE BAHA'I COMMUNITY

MOOJAN MOMEN M.A., M.B.

Translated by

NAIM NABIL AKBAR PH.D.

Second Series

No. 3

مؤسسه معارف بهائی بلسان فارسی

شهرالرحمة ۱۴۶ بدیع - جولای ۱۹۸۹ میلادی

PERSIAN INSTITUTE FOR BAHA'I STUDIES

P.O.Box 8464, Dundas, Ont., Canada L9H 6M2

فهرست مطالب

	صفحه
۲ - مطالعات تحقیقی و جامعه بهائی	۲
۲ - ارزش مطالعات و تحقیقات امری برای جامعه بهائی	۲
۶ - اشکالات و خطرات مطالعات و تحقیقات امری	۶
۹ - ارتباط با جامعه بهائی	۹
۱۱ - شرایط روحانی	۱۱
۱۴ - روش تحقیقات بهائی	۱۴
۲۲ - وظائف متقابل محقق بهائی و جامعه امر	۲۲
۲۲ - نتیجه	۲۲
۲۴ - یادداشتهای	۲۴
۳۰ - اصطلاحات اختصاصی	۳۰

مترجم در نقل این مقاله بفارسی هم مطابقت آن را با اصل در نظر داشته و هم سهولت و روانی اصطلاحات و عبارات و جملات را. بدین جهت در بعضی موارد که بیان مطالب با زبان فارسی و فکر و فرهنگ ایرانی بیگانه می‌شده به شرح و تفصیل بیشتری پرداخته است.

نعیم نیپیل اکبر

مطالعات تحقیقی و جامعه‌بهاشی

هر يك از اهل بهاء كه دامنه گسترده مبادی و مفاهیم مندرج در آثار مبارکه امری را از نظر بگذرانند، و یا ذهنش را عظمت تاریخ امر با آنكه فقط مدت کوتاهی از آن میگذرد مسحور کرده باشد، باید تا اندازه‌ای به شوق آید كه بررسی و مطالعه جامعی از یکی از مطالب امری مورد علاقه خود به عمل آورد. برخی را این پختیاری هست كه هم فرصت و هم تمایل آن را داشته باشند كه چنان بررسی و مطالعه‌ای را بر مبنای مدرسی academic و رسمی استوار گردانند. اما خواه این مطالعات از طریق مؤسسه‌ای علمی به عمل آید و یا از راه تحقیق و مطالعه شخصی صورت گیرد، جواپ مختلفی در تاریخ و تعالیم بهاشی وجود دارد كه مستلزم تحقیقی دقیق و تجزیه و تحلیلی خردمندانه است. مطالعه‌ای از این دست، سوای لذتی كه برای محقق حاصل می‌كند، فواید بسیاری برای جامعه بهاشی نیز در بر خواهد داشت. اما در راه این تحقیقات و مطالعات، بویژه برای کسی كه به چنین تحقیقی پرداخته، خطراتی نیز وجود دارد و غالباً حدود این خطرات برای کسی كه تازه در طریق اینگونه مطالعات وارد شده قابل ارزیابی نیست.

ارزش مطالعات و تحقیقات امری برای جامعه بهاشی

هر چند كه در همه جوامع دینی افراد قشری و متعصبی

هستند که احتیاج به هر گونه تدقیق و تحلیلی را در مورد دیانت خود اشکار می‌کنند. اما پراستی ارزش مطالعات و تحقیقات امری برای جامعه بهائی نیازی به اثبات ندارد. در سال ۱۹۲۲ از جانب حضرت ولی امرالله مطالبی به مضمون زیر شگاشته شد:

"حضرت ولیّ امرالله بلاشکّ امیدوارند که عنقریب امر مبارک فضلای به پار آورد که به تحریر کتبی به مراتب عمیقتر و جامعتر (از کتاب جناب اسلموت ' بهاءالله و عصر جدید) پردازند." (۱)

همچنین در سال ۱۹۴۹ بیانی به این مضمون فرموده‌اند:
"چنین می‌نماید که آنچه در حال حاضر بدان نیاز است، مطالعات و تحقیقات عمیقتر و منظم‌تری است." (۲)

همچنین اخیراً بیت‌العدل اعظم فرموده‌اند که معهد اعلی: "با انتقال جامعه بهائی از مرحله مجهولیت، مطالعات و تحقیقات امری را برای اتّسع نطاق امرالله و تحکیم مبانی جامعه بهائی، از اهمیت نهفته عظیمی برخوردار می‌داند." (۳)

آثار حضرت بهاءالله با همه کثرت خود، تنها طرح کلی و دستورالعملی برای آنچه که در آینده بصورت دیانت بهائی در خواهد آمد، ارائه می‌دهد. بدین ترتیب همواره نیازی به افرادی از اهل بهاء خواهد بود که در معانی تعالیم حضرت بهاءالله تعمق نمایند و آنها را متناسب با مقتضیات و شرایط افکار معاصر هر نسل، از نو ارائه دهند. زیرا همچنانکه مقتضیات اجتماعی تغییر می‌کند و تکامل می‌یابد، مناسبت و کاربرد تعالیم حضرت بهاءالله نیز در ارتباط با جامعه تغییر خواهد کرد. مناسبات متغیر بین کاربرد تعالیم بهائی و شرایط اجتماعی باید در هر نسلی مورد تدبیر قرار گیرد و

اظهار شود. در غیر اینصورت اراشهٔ تعالیم امر به جامعهٔ غیربهای اذهان دیگران را بر نخواهد انگیخت و نامربوط و نامتناسب جلوه خواهد کرد. مطالعات و تحقیقات امری سهم مهمی در مورد تفسیر و تعبیر مجدد تعالیم بهائی و مرتبط ساختن نحوهٔ اجراء آن با مقتضیات جدید ایفاء می‌نماید. چه که اینگونه مطالعات می‌تواند بزرگترین محرک برای رشد و ترقی و تفکر دوباره دربارهٔ تعالیم مبارکهٔ بهائی به شمار آید. در سال ۱۹۴۹ بیانی به مضمون زیر از جانب حضرت ولی امرالله مرقوم گردید:

"در حال حاضر، جهانیان -- لاقلاً مردم اشدیسمند جهان -- صحت جمیع تعالیم سامیه و عمومیهای را که حضرت بهاءالله پیش از هفتاد سال پیش بدان تصریح فرموده، دریافته‌اند و البته آن تعالیم برایشان 'جدید' جلوه نمی‌نماید. ولی ما می‌دانیم که محتوای عمیقتر تعالیم، یعنی ظرفیت و قابلیت نظم جهانی مطروحهٔ آن حضرت جهت تجدید حیات جامعه، جدید و متحرک و متکامل است. مواردی از این قبیل است که باید به نحو خردمندانه و با حکمت و کیماست به چنین افرادی اراشه داد." (۴)

در همان ماه بیانی به این مضمون به یکی دیگر از افراد مرقوم فرمودند:

"ما به فضلی بهائی احتیاج داریم، نه تنها به کسانی که درک و دانش بسیار عمیقی از تعالیم امری داشته باشند، بلکه به افراد اهل مطالعه و تحصیل کرده، افرادی که بتوانند تعالیم بهائی را با افکار جاری زعمای جامعه مرتبط سازند و پیوند دهند." (۵)

ولی بهر حال این نکته مهم است که در تطبیق تعالیم

بهاشی با مسائل روز مواجه با خطری هستیم که بیت‌العدل اعظم در دستخط مورخ ۲۱ جولای ۱۹۶۸ پآن اشاره کرده و میفرماید: "کوشش برای پیدا کردن رابطه بین امر بهاشی و جامعه نوین بمنزله تحمل مصالحه اصول تعالیم الهی با تئوریهها و نظریه های معمول و جاری روز محسوب میگردد."

بعلاوه، فضای متبخر بهاشی می‌توانند برای دفاع از حملات مخالفان جامعه امر حسن محکمی به شمار آیند. زیرا، سوای بی‌اساس یا ناروا بودن اعتراضات و حملات مخالفان، تنها با استفاده از يك منبع دانش می‌توان جوابی کافی به کسانی داد که یا شفاهاً بر تاریخ و تعالیم امر بهاشی حمله می‌آورند و یا کتباً بر آن ردّ می‌نویسند. بنابراین يك بار دیگر ملاحظه می‌شود که تنها با توسعه تحقیقات و مطالعات امری می‌توان چنان منبع دانشی را فراهم آورد. در مرقومه‌ای که از جاب حضرت ولی امرالله تحریر یافته مطالبی به مضمون ذیل مندرج است:

"در آثار امری برای هر امری پاسخی هست. اما متأسفانه اکثر اهل بهاء، سوای حدّ ایمان و اخلاص آنان، در بیشتر موارد فاقد سواد و حکمت لازمند که مدعا و حملات افراد تحصیل کرده و صاحب مقام را پاسخ گویند و یا ردّ نمایند." (۶)

از جمله دیگر فوایدی که مطالعات و تحقیقات بهاشی برای جامعه امری در بر دارد آنست که انتشار ما حصل مطالعات دقیق راجع به تاریخ و تعالیم امر بهاشی مشوقی برای سایر بهاشیان خواهد بود و آنان را به تزئید معلومات مربوط به دیانت خود بر خواهد انگیخت.

اشکالات و خطرات مطالعات و تحقیقات امری

مطالعات و تحقیقات بهائی متضمن اشکالات و خطراتی نیز هست. این خطرات بر دو گونه‌اند: یکی خطراتی که مربوط به شخص محقق می‌شود و دیگر، خطراتی که متوجه رابطه آن شخص با جامعه بهائی است.

بزرگترین و متعارف‌ترین خطر برای عالم بهائی را می‌توان چنین بیان کرد: از آنجا که محقق بهائی کوشش فراوانی برای مطالعه و تحقیق در آثار امری به عمل آورده و دانش گسترده‌ای درباره امر بهائی حاصل نموده، لذا تمایل و وسوسه‌ای برایش وجود دارد که به نحوی خود را بهتر از اکثر بهائیان بداند که درباره دین خود به اندازه او دانش نیندوخته‌اند. این شیوه و طرز تفکر به قدمت خود ادیان است. اعتقاد به اینکه سواد و دانش اندوزی مُعطی فضل روحانی است هم در ادیان سامی (یهود، مسیحیت و اسلام) یافت می‌شود و هم در ادیان هندی و بودایی. این اعتقاد منجر به ایجاد صنف روحانیون و طبقه علماء شده است، افرادی که درباره هم‌کیشان خویش به داوری می‌نشینند و حتی برای خود قائل به قدرت بخشش معاصی شده‌اند. نفس این عقیده در تعالیم حضرت بهاء‌الله ابطال شده است. هر طبق تعالیم بهائی علم و سواد نه الزاماً موجب روحانیت و حکمت است و نه حتی مورث بصیرت. علم و سواد می‌تواند در برخی موارد حتی "حجاب اکبر" شود. (۷)

این غرور و تکبر، که ممکن است چنان غافل‌گیرانه حاصل شود که مورد آگاهی فرد گرفتار آن نباشد، منجر به فقدان شکیبائی و مدارای شخص عالم نسبت به بقیه افراد

جامعه امری می‌شود و ممکن است متقابلاً باعث ایجاد رنجش و خشم افراد نسبت به فرد عالم گردد. اینگونه مرادوات تماماً مخالف روح تعالیم حضرت بهاء‌الله است:

"اگر نفسی از ادراک بعضی مراتب عاجز باشد، یا نرسیده باشد، باید به کمال لطف و شفقت با او تکلم نمایند و او را متذکر کنند، من دون آنکه در خود فضلی و علوی مشاهده کنند." (۸)

بهایبانی که در صدد تحقیق راجع به امر بهائی بر می‌آیند باید با دقت درباره مواردی از تحقیقات آینده خود تأمل کنند. نفس پررسی دیانت خود با بیطرفی و بعنوان امری خارجی مستلزم آنست که شخص تا حدی از آن فاصله گیرد. این فاصله‌گیری و تغییر زاویه دید ممکن است نظر او را نسبت به دین خود تغییری بنیادی دهد و برخی از تصورات پیشین او را در هم ریزد. برای برخی این تغییر تنها آغازی برای برداشت عمیقتری از امر مبارک است، اما برای برخی دیگر می‌تواند تجربه‌ای باشد که از لحاظ روحانی ویرانگر است. زیرا کسی که دقائق و جزئیات دیانتی را تجزیه و تحلیل می‌کند و می‌کوشد که تمامی عوامل اجتماعی و اقتصادی‌ای را که بر تأسیس و توسعه آن دیانت اثر بخشیده تشخیص دهد، ممکن است مآلاً خود را قانع کند که نیازی نمی‌ماند که برای توجیه دین هیچگونه عامل الهی یا ماوراء طبیعت را اصل انگارد.

این بحرانها و امتحانها که در مرحله‌ای از تحقیقات اکثر محققان کما بیش رخ می‌دهد، تخم شك در دلشان می‌کارد و ذهنشان را در مورد اعتبار اقوال طلعات مقدسه امر مبارک و مرکز امر مشوب می‌گرداند. باید محقق بهائی خود را

برای مقابله با این بحرانها آماده کند و انتظارشان را داشته باشد. باید راجع به موضوع تحقیقات خود مطالعه کند و به تأمل پردازد. باید یا دیگر کسانی که به تحقیقات مشابهی اشتغال دارند و می‌توانند گفتگوهائی دربارهٔ مشکلات مربوطه داشته باشند، مرتبط باشد. امر بهائی ملاحظه‌های بسیاری برای مقابله با اینگونه نپرددهای روحانی به دست می‌دهد و مهم اینست که محقق بهائی سلاحهای مذکور را بکار گیرد، در غیر اینصورت بحرانها و امتحانهای مذکور او را در معرض از کف دادن ایمانش قرار خواهند داد.

تحقیقات امری ممکن است شخص محقق را به کار بررسی و ارزیابی آثاری وادارد که توسط کسانی نوشته شده باشد که به دلائلی مخالف امر بهائی هستند. حتی اگر نویسندهٔ آن گونه مطالب و ردیه‌ها یکی از روحانیون مسیحی باشد، باید در خاطر داشت که بسیاری از آن مطالب پر مینا و متأثر از نوشته‌های ناقضان پیمان فراهم آمده است. اثر مواجهه و برخوردی زیاد با مطالبی از این قبیل می‌تواند در ذهن افراد تخم شك بکارد و ایمانشان را تضعیف کند.

بطور خلاصه، شخص محقق باید پیش از ورود به طریق تحقیق دقیقاً در نظر گیرد که آیا توان و ظرفیت روحانی برای مواجهه با چنان خطراتی را دارد. این تأمل باید در آغاز کار صورت گیرد و گر نه مراحل بعدی ممکن است برای این چاره‌اندیشی دیر باشد. اگر توان و ظرفیت روحانی لازم فراهم نباشد، ضرورتی حیاتی دارد که شخص، قبل از شروع به تحقیقات، بنیان ایمان خود را استحکام بخشد. غفلت از این امر به معنی در خطر افکندن پیشرفت روحانی شخص است.

ارتباط با جامعه بهائی

محقق بهائی در مراودات خویش با جامعه بهائی نیز با امتحانات شدیدی روبرو خواهد شد. افراد بهائیان ممکن است کیفیت تحقیقات محقق را درنیابند یا از نتیجه آن احساس خطر کنند. این امر ممکن است باعث ایجاد کنورت مابین محقق و جامعه امر شود. گاهی ممکن است شخص عالم مورد انزجار و بدگمانی حاصل از این سوء تفاهات قرار گیرد. خالی از فایده نیست که محقق در اینگونه موارد ابتلائات حضرت بهاء الله را به یاد آورد، چه که شدیدترین ابتلائات حضرت بهاء الله حاصل از رفتار خشونت باری که دشمنان در قبال حضرتش داشتند نبود. جمال قدم بنفسه بیان فرموده که اعمال بعضی دوستان، همواره حضرتش را آزرده است. (۹) در واقع این يك قاعده کلی است و برای همه بهائیان صدق می کند که بزرگترین امتحانات برای اهل بهاء از جانب خود آنها واقع می شود و این یکی از مواردی است که از آن رهگذار آن جامعه بهائی رشد و قوام روحانی افراد را تأمین می نماید.

مورد دیگری که برای محقق بهائی مخاطره انگیز می نماید، رابطه او با تشکیلات بهائی است. بویژه این موقعیت برای افرادی رخ می دهد که آثار قلمی خود را برای تصویب به تشکیلات ارائه می دهند. پسا اتفاق می افتد که در اینگونه موارد ملاحظات محقق بهائی با مصلحت دید تشکیلات تفاوت دارد و ممکن است که این ملاحظات متفاوت با هم تباین داشته باشند. عالم بهائی ممکن است چنین بیانگارد که مصححین معرفی شده از طرف تشکیلات بهائی صلاحیت

بررسی و تصویب تألیف او را ندارند. در عین حال او باید آمادگی رو در رو شدن با این امر را داشته باشد که تشکیلات اداری امرالله، که علت غائی آن گسترش و حفظ منافع امر بعنوان يك كلّ و نه تنها به قصد پیش راندن معارف بهائی است، ممکن است که تشخیص دهند که انتشار پاره‌ای از تألیف او در يك زمان خاصّ به سود مصالح امری نیست. شخص محقّق برای ایجاد تغییر و پیشرفت در جامعه امری همواره در صفّ مقدم آن خواهد بود، اما بر عهده تشکیلات است که تشخیص دهند که آیا آن تغییر مطلوب است و آیا جامعه برای چنان تغییری آماده هست و در صورت اخیر، تغییر با چه سرعتی باید حاصل شود. بدین ترتیب تشکیلات امری غالباً مانع و سدّ شور و اشتیاق فضایی بهائی می‌شوند. چنین موقعیتی ممکن است تا حدّی به حدوث کدورت و ناراضی متقابل در بین تشکیلات و محقّق بیانجامد و به صورت امتحان شدیدی برای محقّق درآید، امتحانی که ثبوت او را بر عهد و میثاق به محك تجربه کشد، امتحانی که در ضمن آن برای غرور و حیثیت محقّق دشوار باشد که بدون حسّ کدورت و انزجار سر فرود آورد و فرمان ببرد. تنها کسانی که دارای نیّتی پاک باشند و در ستیز با انائیّت و غرور توفیق یابند، می‌توانند از این امتحان سر بلند پدر روند.

محقّق بهائی باید در روابط خود با تشکیلات امری این نکته را همواره در خاطر داشته باشد که بر اساس تعالیم بهائی نظم اداری فقط نظامی جهت سازمان دادن به جامعه بهائی نیست. بلکه جامعه بهائی و تشکیلات اداری آن بزرگترین وسائل رشد و بلوغ روحانی افراد بهائی‌اند. بهائیان با غلبه

بر بحران‌هایی که در نتیجهٔ مراوداتشان با تشکیلات پدید می‌آید، می‌توانند پیشرفت روحانی خود را تأمین نمایند.

شرایط روحانی

از آنچه گفته شد روشن می‌شود که محقق بهائی باید برای کسب صفات و خصائصی روحانی بعنوان سلاح جهت مواجهه با امتحاناتی که در طی مطالعاتش رخ خواهد داد، بکوشد. نخستین شرط لازم برای ورود به عرصهٔ مطالعات بهائی خلوص نیت است. اگر کسی با نخوت علمی و با قصد تحت تأثیر قرار دادن دیگران و اهمیت دادن به خود، چه در عالم بهائی و چه در جهان علمی، وارد عرصهٔ مطالعات امری شود، بطور قطع می‌توان ادعا کرد که آن تحقیقات برای ترقی روحانی او مصیبت بار خواهد بود و به احتمال قوی به سردی روابط با جامعهٔ بهائی خواهد انجامید، زیرا که جامعهٔ بهائی در خود برای کسانی که خویشان را برتر از دیگران می‌نهند جایی ندارد. از سوی دیگر، اگر نیت محقق از ورود به عرصهٔ مطالعات امری مبتنی بر خدمت به امر و کمک به پیشرفت جامعهٔ بهائی باشد، آنگاه او بر امتحانات و بحران‌هایی که در این راه وجود دارد، فائق خواهد شد.

ملازم با شرط نخست، شرط بعدی، یعنی تحصیل فضیلت تواضع است. چه بسیار اتفاق می‌افتد فضلائی که معلوماتشان در مورد معارف امری گسترده است، به آسانی فراموش نمایند که در دیانت بهائی، و برامستی در پیشگاه الهی، علم و فضل به تنهایی راهی بچائی ندارد و تقدم و اولویت با کسانی است که ترقیات روحانی‌شان در درجات اعلی باشد و بیشتر به

عالم انسانی خدمت کنند. در این مورد مثال ما باید جناب ابوالفضائل گلپایگانی باشد که علیرغم اینکه در زمان حیاتش یکی از بزرگترین فضلاء بهائی به شمار می‌رفت، معذک در نزد همه کس با خضوعی صمیمانه و خالصانه رفتار می‌کرد. زندگی ایادی امرالله جناب بالیوزی نیز نمونه بارز دیگری از این خصائل بود.

شرط سوم وفای به عهد و ثبوت بر پیمان است، زیرا کسانی که دل و ذهنشان متمرکز بر مرکز امر بهائی باشد به خود اجازه نخواهند داد که، علیرغم هر بحران و طوفانی که پرخیزد، از راه امر انحراف جویند. چه که هر فرد بهائی در دوره حیات خود با پاره‌ای از تصمیماتی که تشکیلات بهائی اتخاذ نموده‌اند روبرو خواهد شد که با آنها یا موافقت ندارد و یا آنها را بجا و درست نمیداند. در چنین موارد، تنها تلاشی مصرانه برای حفظ وفای به عهد می‌تواند بر مطنون و تشکیکات فاشق آید.

شرط چهارم برای تحقیق در آثار بهائی آنست که شخص محقق متعهد شود که به‌مراه مطالعات عالمانه به تحکیم مبانی ایمان خود نیز بپردازد. عالم بهائی در ضمن مطالعات راجع به امر مبارک ممکن است برایش این گمان حاصل شود که از لحاظ ایمانی نیز در امر مبارک راسخ‌تر می‌شود، اما واقعیت الزاماً چنین نیست، چه که روش تحلیلی لازم برای مطالعات تحقیقی با شیوه تعمق و تدبیری که جزئی از جریان انشراح صدر و تحکیم اساس ایمان است، تفاوت دارد. بدین ترتیب عالمی که فقره‌ای از آثار را دقیقاً مطالعه کرده، ممکن است الزاماً به عمق روحانی آن دست نیافته باشد. احتمال دارد که برای محقق بهائی، که تمام ساعات روز را به خواندن

و تحقیق دربارهٔ امر گذرانده، دشوار باشد که زمانی را صرف تأمل دربارهٔ آثار مبارکه کند و به دعا و مناجات بپردازد. اما تلاوت ادعیه و آیات تنها راه ایفای وظائف وجدانی فاضل بهائی، و در نتیجه ممد ارتقای روحانی اوست. غفلت از این وظیفه می‌تواند به رکود و انحطاط روحانی بیانجامد.

شرط پنجم برای ورود به عرصه تحقیقات امری آن است که محقق بهائی با خود تعهد کند که سهم تمام و فعالی در جامعهٔ بهائی داشته باشد. این تعهد شامل حضور در جلسات ضیافات نوزده روزه و عضویت در تشکیلات امری و شرکت در فعالیت‌های تبلیغی است. زیرا که بخشی از ترقیات روحانی افراد با مشارکت فعالانه آنان در امور جامعهٔ بهائی تأمین می‌شود. از سوی دیگر، دوری از جامعهٔ امر، سبب علل و عوامل آن، ناگزیر به دوری از امر مبارک منجر می‌گردد. ایادی امرالله جناب بالیوزی چند صباحی پیش از صعود به ملکوت ابهی، به امر بیت‌العدل اعظم در روز ۹ دسامبر سال ۱۹۷۹ جلسه‌ای مرکب از چند محقق جوان بهائی انگلستان و اروپا تشکیل داد. تقاضای او در آن جلسه از محققان جوان این بود که از هر آنچه آنان را از جامعهٔ بهائی دور بدارد، اجتناب کنند.

شرایط روحانی فوق صورت جامعی از شرایط روحانی بطور اعم نیست، بلکه فقط به منظور تأکید مواردی ذکر شده که مناسبت ویژه‌ای با تحقیقات امری فضلی بهائی دارد. بدین ترتیب ذکر شرایط فوق مانع از آن نیست که محقق بهائی بکوشد و سایر صفات روحانی و اجتماعی نازل در آثار بهائی را نیز اکتساب نماید.

روش تحقیقات بهائی

روشی که در قبال مطالعات تحقیقی راجع به دیانت بهائی برگزیده می‌شود از اهمیت خطیری برخوردار است. در باب مطالعه علمی ادیان و روش صحیحی که محقق باید در قبال آن اتخاذ نماید مطالب بسیاری نگاشته شده است. نظراً و در ظاهر امر، کلامی دلرباست که گفته شود محقق که به کار تحقیق درباره ادیان می‌پردازد باید ناظری مستقل‌الرأی و بیطرف باشد و هیچگونه نظر قبلی و پیش داوری راجع به موضوع تحقیق خود نداشته باشد. اما در عمل اجرای این دستور ناممکن می‌نماید. اگر چه در قرن نوزدهم محققان بر آن بودند که مشاهده و تجزیه و تحلیل تمامی پدیدارها پنحوی مستقل و بیطرفانه امری ممکن است، اما اکنون به ثبوت رسیده که این نظر وهم‌آلود و فریبنده است. اصحاب روش شناسی علوم اثبات کردند که با خروج از حیطه علوم دقیقه مانند فیزیک و دخول به پهنه دانشهای چون زیست شناسی و بالاخره علوم اجتماعی و نظری، ارتباط توأماً عامل مشاهده و تجربه (یعنی شخص محقق) با مورد مشاهده، اثر متزایدی بر نفس تجربه و مشاهده علمی می‌گذارد. و در حقیقت نه تنها محقق و کسی که به مشاهده و تجربه پرداخته بود باعث تغییراتی در مورد مشاهده می‌شد، بلکه در علوم اجتماعی تمایلات و پیشداوریهای شخصی و فرهنگی محقق، مفهوم ونتیجه مشاهده و تجربه علمی را تغییر می‌داد و تحریف می‌کرد. در حالیکه حتی در علم فیزیک، اصل عدم قطعیت هایزنبرگ the Heisenberg Uncertainty Principle بدین معنی است که تحقیق

درپارهٔ پدیدارهای مورد بررسی متکی بر روشی است که برای مشاهده و تجربه اتخاذ شده، و بنابراین مآلاً وابسته به فردیست که آن پدیدارها را مشاهده می‌کند، دیگر معلوم است که در علوم اجتماعی و نظری تأثیری که محقق بر مورد تحقیق می‌گذارد تا چه حد است.

از آنجا که دین حیطه‌ای از مقولات انسانی است که بیشتر با اشغالات و افکار اشتزاعی سر و کار دارد تا با تعقل علمی و امور قابل تجربه و مشاهده، لذا موقف آن در ارتباط با دو قطب علوم دقیقه و علوم نظری، باید در منتهی‌الیه قطب علوم نظری قرار گیرد. در مطالعه و تحقیق راجع به ادیان، هر گونه ادعای بیطرفی، ادعائی غیرقابل دفاع و اثبات است. در واقع مدعائی که از جانب هر دیانتی اقامه می‌شود چنان همه‌جانبه و دربرگیرنده است که شخص محقق مجبور است که دست کم در ذهن خود شیوه‌ای مبتنی بر قبول یا رد آن اتخاذ نماید. وقتی که در ذهن فرد، مدعای دیانتی قبول یا رد شد، دیگر نمی‌توان گفت که او مستقل‌الرأی یا بیطرف است. همچنین محقق هر چه بیشتر درپارهٔ موضوعی تدقیق و تحقیق کند، بیطرفی و استقلال رأیش درپارهٔ آن کمتر و کمتر می‌شود. در چنین شرایطی بیطرف بودن توهمی بیش نیست، و محقق هر چه بیشتر در ادعای بیطرفی خود پافشاری کند، به احتمال قوی یا به عمد و عاری از صداقت جانبداری و تعصبی را پنهان می‌کند و یا با چنین ادعائی خود را می‌فریبد. در واقع نویسنده‌ای که می‌پندارد بیطرف است غالباً خود را به موضوعی که به اصطلاح (عامهٔ پسند) شده نسبت می‌دهد.

طریقه و روش پدیدارشناسی phenomenological

approach نیز راهی پر از چاه است. زیرا ممکن نیست که يك كوشش تحقیقی بتواند تمام موارد و حقایق راجع به يك موضوع را در بر گیرد و بنابراین محقق مجبور به انتخاب موارد و مدارك می‌شود. نفس انتخاب موارد متضمن پیشداوری‌هایی است که در ذهن محقق وجود دارد. (۱۰) با توجه به اینکه در آثار بهائی خاطر نشان شده که در انسان تمایلی به پیشداوری و تعصب و جاپداری وجود دارد و نظر به اینکه گسستن از این موارد و امحاء این امور از ذهن، مستلزم تلاشی پیگیر در سراسر زندگی آدمی است، لذا ادعای بیطرفی، ادعائی ناشی از استکبار روحی محقق و خود فریبی اوست.

براستی دلیل اساسی دیگری نیز وجود دارد که بر مبنای آن هر محققی را که مدعی دستیابی به بیطرفی و وصول به نظر همه‌جانبه‌ای نسبت به دیانت بهائی باشد، با دیده‌ای ظنین بنگریم. زیرا که امر بهائی در نهایت تجربه‌ای دینی است و ناگزیر درک معنای آن بتمامه کسانی را حاصل می‌شود که آنها خود آزموده و پدان مهر ورزیده باشند. محقق در پی آنست که امر بهائی را در سلسله‌ای از مفاهیم عقلی و معتقدات بگنجد، حال آنکه امر بهائی دیانتی است که در دل مردمان جای گرفته و دوام یافته و بدین ترتیب تنها بخشی از آنها می‌توان در قالب تجزیه و تحلیل عقلی متمکن کرد. مفاهیم عقلی هیچ معنایی را درباره تجربه بهائی بودن افاده نمی‌کنند. (۱۱)

محققانی وجود دارند که بهائی نیستند اما دوگانگی و تفاوت بین مفاهیم عقلی و تجربه شخصی را دریافته‌اند و شاید آثار آنان نقطه آغاز مناسبی برای مطالعات تحقیقی راجع به امر

بهای باشد. (۱۲)

مطلب دیگری که باید مورد توجه محقق بهائی باشد، همانا دوگانگی و تفاوت میان دین و علم و یا ایمان و عقل است.

جائی که این دوگانگی برای محقق بهائی ایجاد اشکال می‌کند استفاده از روشهای تحلیل انتقادی است که بر مبنای آن تمامی پدیدارهای دینی به روابط متقابل نیروهای اجتماعی و اقتصادی تأویل می‌شود، و هر آنچه درباره دین گفته شود به مقولاتی فاقد مفهوم محصل و عینی (و بنابراین مهمل و بی‌معنی) تقلیل می‌یابد.

روش تقلیل‌جویی افراطی مذکور که اینچنین در جهان علم و دانش رواجی تام یافته است بهر حال از انتقادات جوامع علمی که بخوبی دریافته اند روش مذکور توجیه و داوری عادلانه‌ای در مورد حقیقت تجربه دینی اشخاص به دست نمی‌دهد، مصون نمانده است. در بیانیه دارالتحقیق بیت‌العدل اعظم راجع به مطالعات تحقیقی بهائی چنین آمده:

"در غرب عادت بر این جاری شده که دین و علم را دو حیطه مجزا و حتی متضاد از اندیشه و رفتار آدمی بیانشکارند. این دوگانگی را می‌توان با مفاهیم متضاد و مخالفی چون ایمان و عقل، و ارزش و واقعیت توصیف کرد. در طرز تفکر بهائی این دوگانگی، تصویری بیگانه است و نظر این جمع چنان است که باید فضای بهائی، در هر رشته‌ای که باشند، آن را با شك و ظن تلقی کنند. اصل توافق علم و دین تنها بدین معنی نیست که باید تعالیم دینی، علاوه بر ایمان و الهام، در پرتو عقل و شواهد خارجی نیز مورد تحقیق قرار گیرد، بلکه مفهوم دیگر آن نیز اینست که جمیع جوانب

زندگی و دانش بشری و هر آنچه در عالم خلق قرار دارد باید علاوه بر طریق بررسی عقلی محض، در پرتو وحی و دین الهی نیز مورد مطالعه واقع شود. به بیان دیگر، وقتی محقق بهائی موضوعی را مورد مطالعه قرار می‌دهد، نباید هیچیک از وجوه حقیقت را که بر او آشکار است، از ذهن خود دور بدارد. " (۱۳)

با قبول این مطلب که مطالعه مستقل‌الرأی و مطلقاً بیطرفانه‌ای دربارهٔ دین امری است غیرممکن، چه بسا بهتر باشد که محقق کوششی برای تجزیه و تحلیل پیشداوری‌های که در ذهنش وجود دارد و در نتیجه شیوهٔ تحقیق او را متأثر می‌نماید، به عمل آورد تا بتواند آنها را در ضمن تحقیقات خود در نظر داشته باشد. این کوشش برای محقق بهائی ممکن است به این معنی باشد که مراقبت نماید که به واسطهٔ اعتقاد و تمسکش به آئین بهائی چشم بر حقائق و واقعیات نبندد. فی‌المثل، وقایعی در تاریخ امر بهائی وجود دارد که در طی آن بهائیان درست رفتار نکردند و زیان فراوانی بر امر وارد آوردند. محقق بهائی نباید در صد اخفای این موارد برآید و یا در ارائهٔ آنها طریقی دور از صداقت برگزیند چه که از موارد مذکور نیز مانند موارد دیگر تاریخ امر بهائی، پندهائی می‌توان آموخت و تجاربی می‌توان اندوخت، و بنابراین محقق بهائی با اخفای آن موارد کمکی به امر مبارک نخواهد کرد.

محقق بهائی باید بکوشد تا مطالب وی از عهدهٔ آزمایش‌های سه‌گانهٔ زیر برآید:
نخست آنکه رضایت خاطر خود محققین را نسبت به صحت و صمیمیت درمطالب مورد استفاده و تشریح مواضع و

نتایج حاصله فراهم آورد. دودیدگر آنکه سایر محققین را قانع سازد که این تحقیقات در حدّ اعلای نفاست علمی بوده و میتواند راهنمای نظریّات قابل استفاده معلوماتی در مسائل مورد بحث قرار گیرد. و سوم آنکه جامعه بهائی را مجاب سازد که این مطالب نمودار صحیح و قابل اعتمادی از تحلیل و تشریح جامعه را بدست میدهد. بدیهی است که این شایستگیهای دقیق آسان حاصل نمیشود ولی در عوض نتایج حاصله پیش از حدّ قابل استفاده بوده و از ارزشی پایدار بهره مند میگردد.

یکی از مشکل ترین مسائلی که محقق با آن مواجه است آنست که باید حتی القوه بکوشد تا بتمایلات طبیعی گروههای مذهبی تسلیم نشود، نه در جمع متعصبین مذهبی بظواهر معانی ومفاهیم آثار مبارکه سرسختانه پایبند شود و نه با آزادیخواهان همصدا گشته و در همه امور با شك و تردید شکر بسته و در کنه تفاسیر مهجور تمنّ و تفرس کند. محققین بهائی باید بکوشند تا هر دو دسته را با خود همراه سازند چه رودروشی با یکطرف و تمایل بطرف دیگر هر دو موجب ضعف امر الهی میگردد.

علاوه بر مطالبی که گفته شد، گاه پرسشهایی درباره معتقدات بهائی به میان می آید که در حال حاضر یا نمیتوان آنها را مطرح نمود و یا اطلاعاتی که درباره آنها وجود دارد ضدّ و نقیض است. در اینگونه موارد بجای آنکه برای مسائل مذکور به تحمیل راه حلّی یکجانبه و مبنی بر میل و سلیقه شخصی مبادرت شود، بهتر آنست که آنها را بصورت پرسش رها نمود. در سال ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولی امرالله پیانی به مضمون ذیل مرقوم گردید:

"تعالیم حضرت بهاء‌الله را می‌توان به کره‌ای تشبیه نمود، در آن تعالیم مطالب و شکاتی وجود دارد که به فاصله قطبین از هم جدا هستند، و در میان، افکار و عقایدی وجود دارد که آنها را اتحاد می‌بخشد." (۱۴)

در اینگونه موارد وقوف به این معنی اهمیت دارد که پراستی لزومی ندارد که در مورد خاصی به یک نتیجه‌ی مجازم دست یابیم، زیرا نتایجی هم که در ظاهر متناقض به نظر برسند می‌توانند صحیح باشند. همانگونه که در علم فیزیک اغلب کائنات زیر ذره‌ای sub-atomic می‌توانند، بسته به اینکه چگونه مورد مشاهده قرار بگیرند، هم بعنوان ذره و هم بعنوان موج در نظر گرفته شوند، به همین نحو نیز بیاناتی که در ظاهر متناقض می‌نمایند می‌توانند هر کدام وجوه مختلف و متغایر حقیقت باشند. خطری که در اصرار به نتیجه‌گیری به نحوی خاص، در این موارد وجود دارد در این بیان بیت‌العدل اعظم تأکید گردیده است:

"اهل بهاء باید اهمیت صداقت و تواضع عالمانه و روشنفکرانه را دریابند. در ادیان گذشته خطاهای بسیاری صورت گرفت تنها بدین علت که اهل ایمان با شوری افراطی می‌کوشیدند که پیام الهی را در قالب فهم محدود خود بکنجانند: آنجا که تعریف و تحدید و رای طاعت آنان بود به تعریف و تحدید اصول معتقدات می‌پرداختند، اسراری را که تنها حکمت و تجارب عصر بعدی قابل فهم می‌کرد، تشریح می‌نمودند، چون امری مطلوب و لازم به نظر می‌رسید آنها به عنوان حقیقت اثبات می‌کردند. باید در مورد حقایق اساسی از چنین سهل انگاریها اکیداً اجتناب کرد و از چنین تکبر عالمانه‌ای قطعاً دوری گزید." (۱۵)

حسن نیت و اظهار مهربانی و ادب، بخش مهمی از روش بهائی در قبال مطالعات تحقیقی است. اتصاف به این خصائص متضمن اجتناب از شیوه اشتقادات جدالی مستقیم از آثار و عقاید دیگران است. این شیوه، روش مختار بسیاری از مطالعات تحقیقی عصر حاضر است. به فرموده حضرت بهاء‌الله:

"اگر نزد شما کلمه و یا جوهریست که دون شما از آن محروم به لسان محبت و شفقت القاء نمائید و بنمائید. اگر قبول شد و اثر نمود مقصد حاصل و آلا او را به او گذارید و درپاره او دعا نمائید." (۱۶)

محقق بهائی باید آنچه را که حقیقت می‌انگارد با ادب و رعایت حال دیگران ارائه نماید. شاید حتی لازم به تذکر نیز نباشد که عالم بهائی باید طلعات قدسیه امر بهائی و سایر ادیان را با نهایت ادب و احترام یاد نماید.

در تحقیقاتی که به عمل می‌آید محتوای کار محقق آنقدر اهمیت ندارد که لحن و اصرار و تأکید او. می‌توان سلسله شواهد و وقایعی را با رعایت ادب و به نحو سازنده ارائه کرد و همچنین می‌شود آنها را بدون مراعات شرط ادب و احترام و بصورتی زیان‌آور و آزار دهنده اقامه نمود. به شدت لازم می‌آید که محقق صریحاً ذکر کند که تحقیقاتش در ردّ عقاید محقق دیگری است. تنها کافی است که محقق مدارک و وقایع را چنان که به نظر او درست می‌رسد ارائه کند و اخذ نتیجه را بر عهده خوانندگان واگذارد.

وظایف متقابل محقق بهائی و جامعه امر

محقق بهائی موظف است که نهایت دقت را در مورد تحقیقی که به عمل می‌آورد، مراعات نماید. باید مراقبت کند که آنچه ارائه می‌دهد متناسب با درجه فهم افراد جامعه باشد. مبدا که تحقیقاتش باعث استیحاş و انزجار یاران شود.

گاهی وسوسه‌ای در دل محقق ایجاد می‌شود که مدارك و واقعیت‌های تكان دهنده و نتایج غیرمترقبه‌ای را که بر اثر تحقیقاتش به دست آورده، با جامعه بهائی در میان گذارد. اما باید با چنین وسوسه‌ای مقابله کرد و چنین امور را با نهایت حزم و حکمت اقامه نمود. در یکی از الواح حضرت بهاء‌الله چنین مسطور است:

"...اليوم آنچه نوشته می‌شود باید به کمال دقت ملاحظه نمود تا سبب اختلاف واقع نشود و محل ایراد قوم نگردد و آنچه الیوم دوستان حق به آن متکلمند به وسع اهل ارض است. در لوح حکمت این کلمه نازل: 'ان آذان المررضین ممدودة الینا لیستمعوا ما یعترضون به علی الله المهیمن التیوم. این فقره خالی از اهمیت نیست. باید آنچه نوشته می‌شود از حکمت خارج نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا اطفال روزگار به آن تربیت شوند و به مقام بلوغ فائز گردند..." (۱۷)

جامعه بهائی بطور اعم مانند هر گروه غیردانشگامی دیگری طبعاً بمحققین بنظر عدم اعتماد مینگردد. خصوصاً اگر اهل علم و تحقیق با تکبر خویش آتش این عدم اعتماد را دامن زند. باید فضای بهائی با تلاشی مستمر این استیحاş

را از میان بپروند و جامعهٔ امر را از خلوص و صمیمیت و وفاداری خود نسبت به امر بهائی اطمینان بخشند.

اما جامعهٔ بهائی نیز وظایف متقابلی در برابر محقق بهائی دارد. نخست آنکه جامعهٔ بهائی باید پیاموزد که چگونه عقیدهٔ دیگران را تحمل نموده و حقوق فردی سایرین را در اظهار نظریات و افکار خود محترم شمارد. بیت‌العدل اعظم در اینباره میفرماید: "گر چه نظریات و اطلاعات افراد میتواند در روشن کردن مفاهیم مسائل معاونت و معاضدت کند ولی در عین حال امکان دارد گمراه کننده نیز باشد. بنا بر این احیاً باید استماع نظریات دیگران را، بدون اینکه خود پیش از حد تحت تأثیر قرار گیرند و یا اجازه دهند که خدشهٔ پایمانشان وارد گردد، فرا گیرند. و همچنین پیاموزد که در تشریح نظریات خود افراد بهائی را برای قبول آن تحت فشار قرار ندهند." (مرقومهٔ مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶) دو دیگر آنکه هیچیک از افراد بهائی، در صورتیکه تحقیق محقق را درنیابد و یا نتایجی را که اخذ شده اشتباه بیانگارد، حق ندارد که در حضور دیگران وفای محقق را به امرالله و یا ثبوت او را بر عهد و میثاق مورد سؤال و تردید قرار دهد. در نهایت تنها امری که از دست يك فرد بهائی ساخته است اینست که تردید و سوءظن خود را نسبت به تحقیق مذکور به آگاهی تشکیلات امری برساند. فقط تشکیلات امری حق دارند چنین اموری را تحت بررسی قرار دهند.

سوم آنکه تشکیلات اداری امر بهائی موظفند همهٔ کوششهای را که در راه اشاعه و توسعهٔ امر بهائی به عمل می‌آید تشویق و حمایت کنند. تشکیلات امری نباید در پی

آن باشند که معتقداتی جزمی را بر افراد تحمیل نمایند و تنها در مواقعی که به نحو معقولی مطمئنند که ممکن است تحقیق خاصی لطمه‌ای به امر مبارک وارد آورد، باید قدم پیش نهند و مداخله نمایند. در مورد نیاز تشکیلات امری فروش مدارا و ملایمت بیت‌العدل اعظم چنین مینگارد: "بیت‌العدل اعظم معتقد است که برای احیاً و بخصوص مسئولین تشکیلات اداری مهم و واجب است که با ملایمت و مدارا و برای کسب اطلاعات به آنچه موافق نظر آنان نیست توجه نمایند و پیاد داشته باشند که افراد احیاً همگی بحقیقت دانش‌آموز امر مبارک اند و همواره میکوشند تا تعالیم مبارکه را بروشنی درک کرده و با ایمان کامل بموقع اجرا گذارند، هیچکس نمیتواند ادعا کند که به درک کامل این ظهور نائل آمده است." (مرقومه مورخ ۱۸ جولای ۱۹۷۹) این وسعت نظر و روش مدارا باید در جریان تصویب تألیفات نیز منعکس گردد، چه که غرض از تصویب تألیفات بهائی ایجاد نظام مانسور یا تحمیل ضابطه‌ای همانند و یکنواخت برای تعبیر و تفسیر دیانت بهائی نیست، بلکه تصویب تألیفات ضابطه‌ای موقتی جهت حفظ و صیانت امرالله است زیرا در مراحل اولیه بسیاری از مؤمنین آگاهی کافی از تعالیم بهائی را ندارند و بنا براین جهت حفظ حیثیت و شأن امر و برای صحت اراء تعالیم آن لازم است نظارتی به عمل آید. حضرت ولی‌امرالله در سال ۱۹۳۰ بیانی به این مضمون فرموده‌اند:

"تشکیلات امر مبارک باید در برابر سختگیریهائی که سد قوای آزادیبخش امر جمال قدم را نماید و آنها را به بند کشد به مقابله برخیزند... محدودیتهای فعلی که برای انتشار تألیفات بهائی وجود دارد قطعاً الغاء خواهد گردید." (۱۸)

با انتقال امر بهائی از مرحله مجهولیت، فضای بهائی می‌توانند در سه میدان وسیع سهم مهمی ایفاء نمایند: ابلاغ تعالیم بهائی به جهانیان، حمایت و دفاع از امر بهائی در مقابل حملات مخالفان، و اعتلاء و توسعه جامعه بهائی. اما این وظائف و خدمات را فقط با حفظ ارتباط نزدیک با جامعه بهائی می‌توانند به نحو موثر انجام دهند. هر گونه بیگانگی و بُعد از جامعه بهائی به حصول کدورت و پرودت بین آنان و جامعه امر می‌انجامد و نتیجه کوششهای آنان را منتفی می‌سازد. در حال حاضر هم در داخل جامعه بهائی و هم در خارج آن، توجه و علاقه جدیدی به مطالعه علمی و مدرسی امر بهائی به وجود آمده است. محققان بهائی باید در صف اول این بذل توجه و علاقه جدید آنرا هدایت و قیادت نمایند. تشکیلات اداری امر نیز باید سهم فعالی در این پیشرفت داشته باشند و آنرا رهبری و تشویق نمایند. جامعه بهائی باید مطالعات تحقیقی راجع به امر مبارک را که از آثار و شواهد روزافزون اهمیت و امتیاز و اعتبار امر بهائی است، با روی باز بپذیرد و در انتظار نتایج مثبتی که از آن حاصل خواهد شد، بنشیند.

یادداشتها

۱- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۱۹ اکتبر سال ۱۹۲۲ از جانب حضرت ولی‌ام‌رالله خطاب به محفل روحانی ملی هندوستان و پرما نگارش یافته است.

Shoghi Effendi, Dawn of a New Day, New Delhi, 1970, p.38.

۲- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۲ ژوئیه سال ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولی‌ام‌رالله خطاب به یکی از احیاء نگارش یافته است.

The Gift of Teaching, Oakham, England, 1977, p.25.

۳- نقل از مرقومه دارالانشاء بیت‌العدل اعظم مورخ ۲ ژانویه سال ۱۹۷۹ خطاب به شرکت کنندگان در سمینار مطالعات بهائی که در روزهای ۲۰ سپتامبر و اول اکتبر سال ۱۹۷۸ در کمبریج تشکیل شد.

۴- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۲ ژوئیه سال ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولی‌ام‌رالله خطاب به یکی از احیاء نگارش یافته است.

The Gift of Teaching, Oakham, England, 1977, p.25.

۵- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۵ ژوئیه سال ۱۹۴۹ از

جانب حضرت ولی‌ام‌الله خطاب به یکی از احباء نگارش یافته است.

Baha'i Studies Bulletin, Vol. 1, No. 1, 1982, p.47.

۶- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۲۵ سپتامبر سال ۱۹۴۲ از جانب حضرت ولی‌ام‌الله خطاب به یکی از احباء نگارش یافته است.

Unfolding Destiny, Oakham, England, p.439.

۷- نقل از کتاب "ایقان"، طبع مصر، سال ۱۳۵۲ ه.ق. ص ۱۴۵. اصل عبارت "العلم حجاب الاکبر" از اقوال عرفاء و مشایخ صوفیه است. ر.ک. به کتاب "قاموس ایقان" تألیف عبدالحمید اشراق خاوری (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۸ بدیع)، ج ۲، ص ۱۱۰۴.

۸- نقل از "منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله" (لانگنهایم: لجنه نشر آثار امری پلسان فارسی و عربی، نشر ۱، ۱۴۱ ب)، ص ۱۲-۱۴.

۹- نقل از بیان حضرت بهاء‌الله که در "کتاب قرن بدیع" صادر از قلم حضرت ولی‌ام‌الله نقل شده، (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۰ ب)، ج ۲، ص ۲۴۶.

۱۰- در واقع پدیدار شناسی روش بسیار محدودی است زیرا که روش مذکور قابلیت آنرا ندارد که معنای "بهائی بودن" را

برای افراد مورد بررسی قرار دهد. برای مطالعات دقیقتری درباره پدیدار شناسی در ارتباط با مطالعات تحقیقی راجع به امر بهائی رجوع شود به مقاله تحقیقی رابرت پاری Robert Parry تحت عنوان Phenomenology, Methodological Agnosticism and Apologetics که برای دومین سمینار "روش شناسی و اخلاق" که در روزهای ۱۵ و ۱۶ سپتامبر سال ۱۹۷۹ در کمبریج تشکیل شد، تهیه شده بود.

۱۱- رجوع شود به مقاله رابرت پاری Robert Parry تحت عنوان Rational/Conceptual Performance - the Baha'i Faith and Scholarship که برای سمیناری که درباره "روش شناسی و اخلاق" در نورث هیل Northill در روزهای ۲۹-۲۰ ژانویه سال ۱۹۸۲ تشکیل شد، تهیه شده است.

۱۲- برای مثال رجوع شود به مقاله ویلفرد کانتول اسمیت Wilfred Cantwell Smith تحت عنوان Comparative Religion: Whither - and Why? در کتاب تاریخ منهب: مقالات راجع به روش شناسی.

۱۳- نقل از نظریات دارالتحقیق بیت العدل اعظم درباره گزارش سمینار مطالعات بهائی راجع به "اخلاق و روش شناسی" که در روزهای ۳۰ سپتامبر و اول اکتبر سال ۱۹۷۸ در کمبریج تشکیل شد.

Baha'i News, June 1979.

۱۴- نقل از مرقومه‌ای که در تاریخ ۵ ژوئیه سال ۱۹۴۹ از جانب حضرت ولیّ امرالله خطاب به یکی از احیاء شگارش یافته است.

Baha'i Studies Bulletin, Vol. 1, No. 1, 1982, p.46.

۱۵- نقل از دستخطّ بیت‌العدل اعظم مورّخ ۲۷ می سال ۱۹۶۶ خطاب به یکی از احیاء.

Wellspring of Guidance, Willmette, IL., 1969, p.87-8.

۱۶- نقل از "منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله" (لانگنهاین: لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی. نشر ۱۴۱۰ ب)، ص ۱۸۵.

۱۷- نقل از لوح ورقاء نازل از قلم حضرت بهاءالله.

۱۸- نقل از بیان حضرت ولیّ امرالله

World Order of Baha'u'llah, Wilmette, IL. 1955, p.9.

اصطلاحات اختصاصی

Uncertainty Principle	اصل عدم قطعیت
Phenomenological	پدیدار شناسی
Critical Analysis	تحلیل انتقادی
Reductionism	تقلیل جوشی
Most Grievous of all Veils	حجاب اکبر
Methodological	روش شناسی
Sub - Atomic	زیر ذره‌ای
Framework	طرح کلی
Fundamentalist	قشری - متعصب
Doctrines	مبادی
Academic	مدرسی
Cognitive	مُحصَل و عینی
Scholar	محقق
Scholarship	مطالعات تحقیقی

دکتر موژان مؤمن تحصیلات پزشکی را در دانشکدهٔ سنت جرج کمبریج انجام داده و سپس آنرا در مدرسهٔ طب گایز هاسپیتال تکمیل نموده است. در همین ایام در لندن مطالعات تحقیقی خود را در امر بهائی آغاز کرده و در نتیجهٔ هفت سال تحقیق کتاب بسیار نفیس "ادیان بایی و بهائی" Babi and Baha'i Religions را به دوستان علم و دانش هدیه نموده است.

پس از سالی چند فعالیت در حرفهٔ پزشکی مجدداً به کمبریج بازگشته و اینبار بمطالعه و تحصیل زبان عربی پرداخت تا بهتر بتواند تحقیقات کامل خود را در تاریخ امر بدیع ادامه دهد.

نامبرده بیوگرافی مختصری از جناب ج. ا. اسلمنت و کتابی در بارهٔ ا. جی. براون پرشتهٔ تحریر کشیده و مقالات و رسالات تحقیقی بسیاری تهیه نموده که بتدریج در آمریکا و بریتانیا چاپ و منتشر شده است.

دکتر مؤمن مدتی نیز بعنوان معاون تحقیقاتی دانشمند فقید جناب حسن پالیووزی ایادی امرالله که همواره از وی بنام مساعد جدی و محقق توانا و ذیقیمت توصیف میکرد همکاری مینموده است.

وی در ضمن انجام حرفهٔ پزشکی به تصنیف و تألیف

آثار ارزشمندی از جمله کتاب "اسلام شیعی" Shi'i Islam دست زده است که نه تنها مورد استفاده دانشمندان و دانشپژوهان قرار گرفته بلکه عموم مردم کتابخوان نیز از این آثار بهره‌مند میگردند.

جزوه حاضر مقاله جالبی است که در مجله "مطالعات بهائی" نشریه مؤسسه مطالعات بهائی منتشر شده و جناب دکتر نعیم نبیل اکبر آنرا بفارسی ترجمه کرده‌اند.

مؤسسه معارف بهائی پلسان فارسی